

نگاهی به مستند تحسین شده «روپاه و ماه صورتی» که درباره مهاجران غیرقانونی است

«گیم زدن» از نمای نزدیک

صبا کریمی | مهاجرت شبیه تماشای پدیده‌ای در یک قاب آنامورفیک است؛ هر بار که زاویه نگاهت تغییر می کند، معنا تازه‌ای از آن آشکار می شود و سوز، خوانش متفاوتی پیدا می کند. وقتی به عنوان یک شهروند به مهاجران نگاه می کنیم عملاً درکی از عمق شرایط نامطلوبی که در انحصار آن قرار گرفته‌اند، نداریم. برای ما آمار است و بحران، برای آن‌ها ملغمه‌ای از رنج، مقاومت، امید و رهایی. اما زمانی که به مدد هنر و سینما این امکان فراهم می شود که کنار آن‌ها قرار بگیریم، تازه می توانیم گوشه‌هایی از شرایط وحشتناک، دلهره‌آور و غیر قابل تحملی که سرنوشت بر آن‌ها تحمیل کرده را از نزدیک ببینیم.

مهرداد اسکویی با ساخت مستند «روپاه و ماه صورتی» دقیقاً همین کار را انجام داده است. این مستند ۷۶ دقیقه‌ای که تولید آن حدود هفت سال طول کشیده، تجربه‌ای ناب و متفاوت از یک روایت واقعی ارائه می دهد. اسکویی پروژه را با همکاری دختر هفده ساله‌ای به نام ثریا اخلاقی تولید کرده که در تیتراژ نامش به عنوان کارگردان مشترک ذکر شده است. ثریا هنرمند افغانستانی که در ایران به دنیا آمد و در کودکی از مادرش جدا شد، در تلاش است خودش را به مادرش در اتریش برساند و بارها تلاش می کند از مرز ایران به ترکیه و از ترکیه به یونان برود.

تمام تصاویر این مستند توسط خود ثریا با گوشی موبایل طی پنج سال ضبط شده و اسکویی هدایت او را از راه دور برعهده داشته است. او در طول این سال ها وقایع زندگی روزمره، تلاش‌های مداوم برای عبور غیرقانونی از مرز و دوران اقامت در ترکیه را ثبت کرده است. ثریا مخاطب را با زندگی اش و لحظات تلخ و سخت آن همراه می کند. او که ظاهراً دارد همه چیز را برای دایی مهرداد (مهرداد اسکویی) تعریف می کند اما مخاطبانی فراتر از او دارد و به آن‌ها از شیوه‌های رفتن و تلاش‌های چندین و چند باره اش برای خروج از مرز می گوید. ثریا بارها از گیم زدن می گوید. «گیم زدن» اصطلاح رایجی میان مهاجران غیرقانونی است که به روش ها و ترفندهایی اشاره دارد که مهاجران برای عبور از مرز استفاده می کنند. ثریا به همراه همسر و چند خانواده دیگر بارها گیم می زندن به این امید که بتوانند مرز ترکیه را به مقصد یونان ترک کنند اما هر بار به در بسته می خورند و با یک مشکل تازه روبه‌رو می شوند.



اسکویی اما به مستندنگاری صرف اکتفا نکرده است؛ او از هنر ثریا بهترین بهره را برده و مهارت این دختر جوان در مجسمه‌سازی و نقاشی به اسکویی امکان داده بخش هایی از این روایت را در قالب انیمیشن های سورئال و در فضای هنری و نمادین ارائه دهد.

در واقع «روپاه و ماه صورتی» ترکیبی است از تصاویر واقعی ضبط شده توسط سوزۀ و انیمیشن‌هایی که تجربه ذهنی و عاطفی او را با فرم بصری منحصر به فردی ادغام می کند. در جهان درونی ثریا دو شخصیت دیگر هم زندگی می کنند؛ روباهی آرام و دلقلکی که هیچ گاه نمی خندد. روباه در این روایت بیشتر از آن که یک شخصیت داستانی باشد، نماد و سمبلی از روح مقاوم ثریاست. در بسیاری از پلان‌ها که ثریا در حال واگویی‌های احساسی و شخصی خودش است و در اوج امید یا ناامیدی قرار دارد روباهی کنار او نشسته و نگاهش می کند، روباه مراقب او است و حتی یک بار ثریا را از فکر خودکشی منصرف می کند. روباه در این مستند نمادی از هوش و توانایی بقا در شرایط دشوار است. یک شخصیت دیگر هم همیشه همراه ثریاست؛ دلقلکی که در درون ثریا زندگی می کندو نمود بارزی در نقاشی‌هایش دارد. ثریا معمولاً او را با چشم‌های گریان و در حصار به تصویر می‌کشد. دلقلکی با آرزوهای گمشده و تجربه رنج‌های فراوان که استعاره‌ای از زندگی خود او است؛ از دست دادن پدر و مادر در دوران کودکی، ازدواج اجباری و زود هنگامش و خشونت‌های پس از آن، مهاجرت، فرار و تلاش برای یافتن مادر و... همه در قالب سمبل های متفاوت در تصویر دلقلک شکل می گیرد.

■ تصویری از مهاجرت غیرقانونی

در نهایت باید گفت «روپاه و ماه صورتی» تجربه‌ای متفاوت و اثرگذار از زاویه دید مهاجران است که به خوبی توانسته چالش‌های مهاجرت غیرقانونی و خطرات آن را به تصویر بکشد و در عین حال با شیوه روایتی خلاقانه و منحصر به فرد، مستند را تبدیل به اثری ارزشمند و روایتگر کرده است. این مستند محصول ایران، فرانسه، بریتانیا، ایالات متحده و دانمارک است که به تازگی برنده جایزه بهترین فیلم مستند بلند در بخش مسابقه بین الملل «ایدا» شده و نخستین کردار خود را در نوزدهمین جشنواره سینماحقیقت تجربه کرده و به دلیل استقبال فراوان مخاطبان، در آخرین روز برپایی جشنواره سینماحقیقت برای دومین بار در پردیس سینمایی ملت به نمایش درآمد.

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

رمانی پرشتاب و نفسگیر برای نوجوانان

«تو مرا خواهی کشت»؛ سرگرم کننده و تأمل برانگیز

خدیجه **زمانیان** | نشر نون به تازگی رمانی منتشر کرده

برای گروه سنی جوان و نوجوان.

رمان «تو مرا خواهی کشت» نوشته کارن ام. مکمنس (Karen M. McManus) اثری پرتعلیق و سرشار از

رازهای پنهان است که با ضرباهنگ تند و حال و هوای نوجوانانه، طی چند ساعت خواننده را وارد مارپیچی از دروغ، ترس، گدشته های دفن شده و انتخاب های سرنوشت ساز می کند.

داستان رمان «تو مرا خواهی کشت» از خیابانی معمولی آغاز می شود اما با یک مرگ مرموز، همه چیز به سمت بحرانی غیرقابل پیش بینی می رود. سه نوجوان که روزگاری دوستان نزدیک بوده‌اند، ناگهان در قلب یک پرونده خطرناک قرار می گیرند و هر کدام حقیقتی را پنهان می کنند که می تواند مسیر قصه را تغییر دهد.

زبان روایی جذاب، ریتم سریع و معمایی که لحظه به لحظه پیچیده‌تر می شود، این رمان را به انتخابی عالی برای نوجوانان و جوانانی تبدیل کرده که عاشق کتاب‌های رازآلود و معمایی هستند. اثری که از همان صفحه نخست میخکوب می‌کندو تا پایان رهایتان نمی‌کند.

کارن ام. مک منس متولد ۱۹۹۹ در آمریکا؛ نویسندهٔ کتاب‌های تحسین شده در ژانر جنایی و معمایی است. کتاب‌های او همواره در فهرست پرفروش‌های نیویورک تایمز قرار داشته‌اند. مک منس تحصیلات کارشناسی خود را در رشتهٔ ادبیات انگلیسی گذرانده و مدرک کارشناسی ارشدش را در رشتهٔ روزنامه‌نگاری از دانشگاه نورث ایسترن دریافت کرد.

از این نویسنده پیش از این، رمان های «راز بین دو نفر»، «دروغ‌گوهای دوست‌داشتنی» و «یکی از ما نفر بعد است» تا کنون به فارسی ترجمه شده است.

مجله پاپلیشرز ویکلی درباره رمان «تو مرا خواهی

گفت‌وگو با کیاش زارع‌طلب، نویسنده و بازیگر سریال «میراث»

می‌خواستیم معجزه «گفت‌وگوی ملی» را یادآوری کنیم

شما در این سریال سعی کردید به تفاوت دیدگاه‌های برخی جوانان با روحانیت هم بپردازید مثلاً روحانی قصه در سکانسی با جوانان دانشجو درباره اینکه چرا موقع اذان نباید آهنگ پخش شود صحبت می‌کند، به دفعات شاهد این موقعیت‌ها در سریال هستیم. دلیل پرداختن به این تقابل‌ها و تفاوت دیدگاه‌ها چه بود، آیامی‌خواستید به اهمیت گفت‌وگوی ملی با وجود اختلاف عقاید بپردازید؟

قطعاً، اصلاً چیزی نیست که با گفت‌وگو حل نشود آن هم در مورد ملت ایران. قرن‌ها مردم ما این کار کرده‌اند و با عقاید و اقوام مختلف مقابل یک دشمن خارجی کنار هم متحد بودند و جنگیدند. مردم ما در نتیجه گفت‌وگو، دعوا نکردند بلکه موضوعات را حل کردند پس چطور الان نمی‌توانیم با هم حرف بزنیم؟ چرا گفتنمان ملی در رأس و از بالا باید اتفاق بیفتد؟ چرا از پایین باهمدیگر حرف نمی‌زنیم در حالی که مشکلات در پایین خیلی راحت‌تر حل می‌شوند. من کارخانه را در این سریال، نمادی از کشور می‌بینم. برای اینکه چرخ کارخانه بچرخد ناچار به همراهی و مددخواهی از تفکرات متفاوت هستیم. یک موضوع در همه ما مشترک است اینکه همه ما عمیقاً ایران را دوست داریم. وقتی می‌گوییم ایران، یعنی مردمش، اقوامش و ملتی که عقاید مختلفی دارد، ما ایران را به‌هم تفاوت‌هایش دوست داریم. ایران فقط یک کلمه نیست، فقط دماوند، خزو خلیج فارس نیست، ایران با همه مردم و تفاوت‌هایش معنا پیدا می‌کند، با تاریخ، اقوام و ادیان مختلفش.

■ چقدر موقعیت‌هایی که برای ارتباط یک روحانی با مسائل مردم در سریال وجود دارد، نزدیک به واقعیت است؟

تا جایی که توانستیم و تلویزیون به من اجازه می‌داد سعی کردم این موقعیت‌های چالشی را نشان دهم. یک جاهایی مخالفت‌ها عیان‌تر است مثلاً به جواد می‌گویند ما با تو کار نمی‌کنیم چرا باید کار کنیم. تقریباً توانستیم این مواجهه را واقعی نشان دهم ولی هدفم این بود که در مقیاس یک اثر نمایشی بگویم می‌توانیم با هم کار کنیم و حرف بزنیم. همان طور که جواد کوتاه‌می‌آید، طرف مقابل هم کوتاه می‌آید. در این قصه هر دو طرف منطع‌ف هستند و فقط خشخصیت روبه‌روی روحانیت را تعدیل نکردم بلکه شخصیت روحانی هم گاهی کوتاه می‌آید. شاید جایی کمی غیرواقعی به نظر برسد ولی پیام سریال این است که باید با هم حرف بزنیم. ضمن اینکه نباید فراموش کنیم رفتار اقلیت به معنای غیرواقعی بودن نیست. اقلیتی داریم که همین طور با هم خوب حرف می‌زنند و کوتاه می‌آیند. اگرچه طیف دیگری هم برخورد‌های تند و جنجالی دارند. هر دو طیف، واقعی هستند ولی این بار از زاویه ما به ماجرا نگاه کنید.

■ به نظر شما چقدر این زاویه نگاه مورد توجه مخاطبان قرار می‌گیرد و از آن استقبال می‌کند؟

الن مخاطبان نمایش خانگی هم از آثار پلتفرم‌ها رضی نیستند ولی هنوز تلویزیون مخاطبان بیشتری نسبت به نمایش خانگی دارد؛ چرا که همچنان تبلیغات تلویزیون گران‌تر از نمایش خانگی است چون مخاطب بیشتری دارد. آماري که به ما داده‌اند گفته‌اند سریال مخاطب خوبی داشته و مخاطبان از اقشار مختلف بوده‌اند. به نظر درباره تلویزیون باید عادلانه حرف زد حتی اگر من از آن راضی نباشم. در حال حاضر هم تلویزیون هم نمایش خانگی محصولاتی دارند که مخاطبان را راضی می‌کند و استادش به او تذکر می‌دهد. یک جایی از دوره‌ر می‌رود و داد و بیداد می‌کند و بعد می‌فهمد اشتباه کرده است. در «میراث» ابعاد مختلف یک روحانی را در زندگی شخصی واجتماعی می‌بینیم.



آمده که نمایش نامه و فیلم نامه‌ای را نوشتم ولی دوست نداشتم در کاری باشم که خودم آن را نوشتم. چند بازیگر برای ایفای نقش جواد آمدند اما چون شخصیت کم دیالوگی بود بازیگران می‌خواستند این شخصیت فعال‌تر و پر دیالوگ‌تر باشد ولی ما نمی‌خواستیم این شخصیت را عوض کنیم. نهایتاً تیم تولید و کارگردانی به این نتیجه رسیدند که من این نقش را بازی کنم. البته برای ایفای نقش، چالش هم داشتم چون باید نقشی را بازی می‌کردم که نقش محوری داستان بود و نخستین بار بود که نقش روحانی را بازی می‌کردم.

■ برای اینکه همدات‌پنداری بهتری با شخصیت یک روحانی داشته باشید چه کردید؟

به هر حال این نقش را خودم نوشته بودم و با این آدم‌ها زندگی کرده‌ام چون یکی از دوستانم روحانی است، بنابراین برای ایفای این نقش، چالش زیادی نداشتم. البته بازی کردن با خلق شخصیت خیلی فرق دارد و بازیگری مثل زنده کردن و معجزه می‌ماند.

■ به نظر خودتان شخصیت جواد در این سریال کلیشه‌شکنی داشته یا شخصیتی کلیشه‌ای از یک روحانی خلق شده است؟

به نظر من شخصیت جواد، شخصیتی کلیشه‌ای از یک روحانی نیست. او آنتن تلویزیون مردم را درست می‌کند، آدم‌هایی که سر آب دعوا دارند را صلح می‌دهد، با کارگر بحث می‌کند، وقتی پشت سرش نماز نمی‌خوانند ناراحت نمی‌شود و از قالب کلیشه‌ای درآمده است چون کنش اجتماعی دارد. تصویری که پیش‌تر در سینما و تلویزیون از روحانی وجود داشت در این سریال نیست. مثلاً مردم به راحتی سرش داد می‌زنند، مسخره‌اش می‌کنند و با او شوخی می‌کنند. دایی اش مثل یک بچه یا او رفتار می‌کند و سر به سرش می‌گذارد یا می‌گوید کله‌شق هستی. یک جاهایی اشتباه می‌کند مادرش به او گوشزد می‌کند، جایی خطا می‌کند و استادش به او تذکر می‌دهد. یک جایی از دوره‌ر می‌رود و داد و بیداد می‌کند و بعد می‌فهمد اشتباه کرده است. در «میراث» ابعاد مختلف یک روحانی را در زندگی شخصی واجتماعی می‌بینیم.

■ چرا برای نقش اصلی، شخصیت یک روحانی را انتخاب کردید، در مورد خلق این شخصیت بگویید.

همان طور که اشاره کردم موضوع «تولید» برای من دغدغه بود. کشورهایی که صنعت و تولیدشان را پویا کردند با عقاید و تفکرات مختلف توانستند با هم کار کنند. یکی از دلایلی که شخصیت روحانی را برای روایت انتخاب کردم این بود که بتوانم این فضا را با هم تلفیق کنم. شخصیت روحانی به‌عنوان عنصر پیش‌رو در بستر روایت است حتی کسانی که او را قبول ندارند، جواد می‌تواند افراد و نظرات مختلف را گرد هم جمع کند. نکته دوم اینکه نگاه به روحانیت، حاکمیتی است یعنی از یک جایی به بعد جواد و حاج‌توسل هم این نگاه حاکمیتی را می‌پذیرند اما این نگاه حاکمیتی به مسائل باید دلسوزتر از منظر مردم عادی باشد.

■ آیا در خلق شخصیت روحانی قصه تلاش کردید که الزاماً سفید نباشد و شخصیتی خاکستری خلق شود؟

حتماً مد نظرم بود که شخصیت جواد، خاکستری باشد. جواد اشتباه می‌کند، خطا می‌کند و دوباره برمی‌گردد. قطعاً می‌خواستیم این شخصیت خاکستری باشد و مثل مردم عادی زندگی کند؛ برای همین اشتباه می‌کند، تصمیم‌های بدو عجولانه‌ای می‌گیرد، بارها به استادش حاج‌توسل زنگ می‌زند، سؤال می‌پرسد و حتی اعتراف می‌کند که کم آورده و خسته شده است. مثل یک آدم عادی همه آن خستگی‌ها، اشتباه‌ها، حب و بغض‌ها و عصبانیت‌ها را دارد اما بیشتر از مردم عادی باودری رفتارش کنترل داشته باشد.

■ وقتی فیلم نامه را می‌نوشتید فکر می‌کردید که نقش روحانی سریال را بازی کنید و با این ذهنیت، شخصیت جواد را نوشتید؟

نه واقعاً فکر نمی‌کردم این نقش را بازی کنم. به دفعات پیش

انتشار «بانو مینا و دیگران» از نویسنده کتاب چهل سالگی

زندگی از لحظات کوچک ساخته می‌شود

گذشت. از میان بهترین آثار ناهید طباطبایی در حوزه داستان کوتاه و رمان می‌توان به عنوانی چون «حضور آبی مینا» (۱۳۷۲)، «جامه‌دران» (۱۳۷۶)، «چهل سالگی» (۱۳۷۹)، «آبی و صورتی» (۱۳۸۰)، «رکسانا نیستم اگر...» (۱۳۸۸) و «سور شبانه» (۱۳۹۲) اشاره کرد. آثاری که تعدادی از آن‌ها به زبان‌های انگلیسی، ایتالیایی، آلمانی، عربی و بلغاری ترجمه شده‌اند. نهمین کتاب در زمینه فیلم نامه‌نویسی هم تجربه دارد. او در دهه، ۹۰ در کنار مرجان اشرفی زاده نگارش فیلم‌نامه «بچی» را شروع کرد. اثری که در سال ۱۳۹۴ با کارگردانی محمدحسین قاسمی روی پرده سینما رفت.

گفتنی است مصطفی رستگارپور با اقتباس از رمان چهل سالگی، فیلم‌نامه‌ای نوشت و علیرضا رئیسیان در سال ۱۳۸۹ براساس این فیلم‌نامه، فیلم چهل سالگی را روی پرده سینما برد.



اگر به داستان‌های کوتاه احساسی، انسانی و تیزبینانه

علاقه دارید، این کتاب انتخابی ارزشمند است. مجموعه داستان «بانو مینا و دیگران» به قلم ناهید طباطبایی در ۴۶۷

صفحه با قیمت ۷۵۰ هزار تومان توسط نشر چشمه به بازار کتاب آمده است.

ناهید طباطبایی در سال ۱۳۷۱ با انتشار مجموعه داستان «بانوو جوانی خویش» به‌طور حرفه‌ای قدم در راه نویسندگی